

تأثیر الگو در تربیت عبادی کودک

زینب، فاطمه سیفی کناری^۲

چکیده

در دین اسلام به تربیت دینی و به‌ویژه تربیت عبادی کودکان تأکید بسیاری شده است تا زمینه دستیابی کودکان به مراحل عالی کمال انسانی فراهم شود. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است و روش الگویی و تأثیر آن در تربیت عبادی کودکان را بررسی می‌کند. والدین و مربیان الگوی مناسبی برای آشنایی کودکان در انجام اعمال عبادی معرفی شده‌اند. در پژوهش حاضر مواردی از مراحل تمرین و آماده کردن کودکان شامل زمینه‌سازی برنامه‌های عبادی و انجام آنها در مقابل چشم کودکان و آموزش مسائل عبادی به آنها بیان شده است. در انتها نیز روش‌های تربیت عبادی کودکان شامل روش رفق و مدارا، عدم تحمیل عبادات، تداوم و استمرار بخشی و روش تشویق و تنبیه بیان شده است.

واژگان کلیدی: الگو، تربیت، تربیت عبادی.

۱. مقدمه

یکی از اساسی‌ترین عواملی که در امر هدایت و تربیت فرزندان نقش اول را برعهده دارد روش الگودهی یا ارائه مصداق عینی به متربی است. این روش به دلیل عینی و کاربردی بودن و همچنین عشق و علاقه متربی به الگو مؤثرترین و طبیعی‌ترین روش انتقال ارزش‌های دینی، اخلاقی، فرهنگی و عبادی است. نکته ظریفی که در این روش وجود دارد این است که مربی غیرمستقیم به کار تربیتی می‌پردازد و مهم‌ترین فایده آموزشی آن این است که مسائل تربیتی از حالت تحمیلی بیرون می‌آید و خود متربی برای یادگیری و دستیابی به آن اقدام می‌کند البته

^۱ . دانش‌پژوه کارشناسی فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعة المصطفی ﷺ العالمیه، هندوستان.

^۲ . استاد همکار گروه علمی- تربیتی فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعة المصطفی ﷺ العالمیه، ایران.

الگو باید مهذب باشد تا بتواند نقش الگویی خود را به خوبی ایفا کند. بحث تربیت عبادی کودک از جمله مباحث بسیار ضروری و مطرح است؛ زیرا همه والدین و مربیان دوست دارند که فرزندانشان روحیه‌ای معنوی و متعهد در عبادت داشته باشند و به همین علت به دنبال یافتن راه‌حلی مناسب برگرفته از اسلام هستند. در اصل تربیت عبادی، بعد معنوی کودکان پرورش یافته و برای فراگیری و انجام تکالیف عبادی ایجاد انگیزه می‌کند. به دلیل اهمیت این دو مسئله سعی می‌شود که در مقاله حاضر، تأثیر الگو در تربیت عبادی کودک بررسی شود. در این زمینه می‌توان به چند اثر اشاره کرد:

- مقاله سیره حضرت زهرا علیها السلام در تربیت فرزند که نویسنده کوشیده است از روش توصیفی-تحلیلی بهره بگیرد. در این مقاله جایگاه الگو در تربیت عبادی، فرهنگی و عاطفی کودک روشن شده است و آموزش مسائل عبادی با برنامه‌ریزی و تشریح جایگاه و اهمیت اعمال عبادی از مهمترین جلوه‌های سیره تربیتی حضرت زهرا علیها السلام است.

- کتاب اسلام و تربیت کودکان که به راه و رسم الگودهی و پایه‌گذاری بنای فکری کودک به عبادات از جمله واجبات و مستحبات اشاره می‌کند.

هدف از پژوهش حاضر پرورش جنبه‌های شناختی و عاطفی و برانگیختن شوق و رغبت تربیتی در فراگیری و انجام مناسک عبادی است. به عبارت دیگر بیدارکردن روح خداپرستی، پرورش و تقویت بعد معنوی کودکان و ایجاد انگیزه در انجام تکالیف عبادی از طریق تأثیر آنها از الگو است که از می‌توان نمونه عملی رفتار و کردار مطلوب را در معرض دید کودک قرار داد.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. الگو

الگو در لغت به معنای مدل، سرمشق، مقتدی، اسوه، قدوه، مثال و نمونه است، اما در اصطلاح به شخصیتی گفته می‌شود که به دلیل داشتن برخی خصوصیات، شایسته تقلید و پیروی است. اسوه در منابع اسلامی دست‌کم به سه معنای مقتدا، پیروی کردن، اقتداکردن، سنت و روش آمده است. معادل فارسی آن، الگو و سرمشق است که البته وسعت معنایی بیشتری دارد؛ زیرا اسوه و قدوه ناظر به الگوهای انسانی بوده است و بیشتر در مورد تربیت و تقویت ابعاد اخلاقی، رفتاری و شناختی انسان به کار می‌رود. واژه الگو به معنی طرح، مدل، نمونه و غیره نیز آمده است که در مسائل آموزشی و یادگیری کاربرد دارد، اما روش الگویی در تربیت روشی است که

اساس آن بر محور الگودهی و ارائه نمونه‌های عینی و عملی بنا شده است. در این روش انسان تلاش می‌کند نمونه رفتار و کردار مطلوب را به صورت عملی در معرض دید متربی قرار دهد تا شرایط لازم برای الگوبرداری و تقلید برای وی فراهم شود. (قائمی مقدم، ۱۳۸۲، ص ۲۶)

۲-۲. تربیت

تربیت در لغت مصدر باب تفعیل است و سه ریشه دارد. اگر از ماده ربو باشد در معانی رشد، نمو، افزایش یافتن و پرورش یافتن به کار می‌رود. اگر از ماده ربب باشد در معانی مالک، رشد و نمو، مربی و منعم به کار می‌رود و اگر از ماده ربأ باشد در معانی اشراف داشتن، مکان مرتفع، محافظت و مراقبت و همچنین رشد و نمو به کار می‌رود. (امیری، ۱۳۹۴، ص ۱۳) تربیت در اصطلاح به معنای پرورش دادن و پروراندن است. پروراندن هر چیزی به کمال رساندن آن است تا تمام قابلیت‌های آن شکوفا شود. به عبارت دیگر تربیت در انسان به معنای فراهم کردن زمینه رشد و پرورش استعدادهای درونی و قوای جسمانی و روانی او برای وصول به کمال مطلوب است. این کار در واقع عملی است آگاهانه با هدف رشد دادن، ساختن و دگرگونی شکوفایی استعدادهای مادرزادی بشر (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۹، ص ۳۹).

۲-۲-۱. تربیت عبادی

تربیت عبادی یعنی، آموزش عبادات به متربیان و متعهد کردن آنها به انجام عبادات. تربیت عبادی به معنای ایجاد تدریجی و گام به گام روح عبادت و بندگی پرورگار عالم در فرزندان است. (داوودی، ۱۳۸۳، ص ۱۱)

۲-۲-۲. اهمیت تربیت عبادی

پایه شکل‌گیری شخصیت کودک در هفت سال اول و دوم زندگی است. الگوگیری و تقلیدپذیری پایه یادگیری در این دوران است و کودک بسیاری از حرکات و رفتارها را از دیگران می‌آموزد. یکی از راه‌هایی که کودک می‌تواند به واسطه آن عادت‌های نیک و رفتاری پسندیده داشته باشد، داشتن الگوی مناسب است؛ زیرا الگوها راه ناهموار تربیت را هموار و دشواری‌های سیر و سلوک را آسان می‌کنند. وقتی انسان قصد دارد عمل و رفتاری مطلوب مانند نماز را به کودک بیاموزد باید الگوی مناسب و کاملی در معرض دید و مشاهده وی قرار دهد تا از آن پیروی کند. عواملی مانند والدین، اطرافیان، هم‌بازی‌ها، دوستان، معلمان و مربیان از جمله الگوهای تأثیرگذار در تربیت کودکان

هستند، اما در این مجموعه خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا کودک از سال‌های نخست زندگی با مشاهده رفتار و اعمال والدین به یادگیری می‌پردازد. بعد از پدر و مادر، معلم و مربیان بیشترین تأثیر را در اخلاق، رفتار و عبادت کودکان و نوجوانان دارند البته میزان محبوبیت الگو در میزان تأثیرگذاری در کودک برای یادگیری و اثرپذیری از او بسیار دخالت دارد. کودکان تأثیرپذیری فراوانی از همسالان دارند. بنابراین، ضروری است که میان او و همسالان که روحیه معنوی دارند رابطه دوستی برقرار کرد. (شکرالهی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۸)

۲-۳. ضرورت تربیت عبادی

براساس سنت و رهنمودهای معصومان علیهم‌السلام والدین باید آموزش‌های دینی و عبادی را به فرزندان خود بدهند؛ زیرا تربیت عبادی پایه و اساس رشد و بالندگی معنوی در دوره‌های بعدی زندگی کودکان خواهد بود. اگرچه فرزندان تا به سن بلوغ نرسند تکلیفی متوجه آنان نیست، اما هنگامی که به سن تکلیف می‌رسند و با مجموعه تکالیف شرعی مواجه می‌شوند اگر والدین، کودکان را نسبت به این تکالیف آماده نکرده باشند پذیرش و انجام تکالیف دینی برای آنها دشوار می‌شود و چه بسا رغبتی نسبت به اعمال عبادی از خود نشان ندهند. یکی از فلسفه‌های تعلیم تکالیف عبادی از طریق الگو به فرزندان در دوره خردسالی این است که انجام عمل عبادی بر اثر مداومت برای کودکان ملکه شده است و باعث می‌شود وقتی کودک به سن تکلیف رسید انجام آن برایش دشوار نباشد. اگر والدین به فرزندان نشان بهره کافی از آموزه‌های دینی ندهند در جوانی و بزرگسالی با رکود معنوی و درنهایت خسارت روحی مواجه خواهند شد. آیت‌الله امینی می‌فرماید: «درست است که پسر بعد از پانزده سال و دختر بعد از نه سال به تکلیف می‌رسد و قبل از آن تکلیفی ندارد، اما انجام تکالیف دینی را نمی‌توان تا سن بلوغ به تأخیر انداخت. انسان باید از کودکی به انجام عبادات و تکالیف دینی عادت کند تا در سن بلوغ به آنها رغبت داشته باشد. اگر پدر و مادر نمازخوان باشند با این برنامه می‌توانند فرزندان خود را به نماز خواندن عادت دهند به طوری که وقتی به سن بلوغ رسیدند خودبه‌خود و بدون فشار نماز بخوانند و از انجام آن لذت برند، اما اگر پدر و مادر به بهانه اینکه هنوز فرزندان به حد تکلیف نرسیده است به نماز خواندن او اعتنایی نداشته باشند و تا سن بلوغ آن را عقب بیندازند انجام آن عبادت در سن بلوغ برای بچه دشوار می‌شود و اگر هم نمازخوان شود چندان تقیدی به آن نخواهد داشت و با

اندک بهانه‌ای ممکن است آن را ترک کند؛ زیرا عملی که از زمان کودکی عادی نشده باشد عادت کردن به آن دشوار خواهد بود». (امینی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۱)

ضرورت تربیت عبادی و آمادگی‌های لازم برای انجام مجموعه‌ای از اعمال عبادی مانند نماز و روزه به خوبی از آیات و روایات دریافت می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «و خانواده‌ات را به نماز امر کن و خود بر آن شکبیا باش. از تو روزی نخواسته‌ایم، روزی‌ات را می‌دهیم و فرجام [نیک] برای تقواست» (طه: ۱۳۲). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «به فرزندان خود نماز یاد دهید و آن‌گاه که بالغ شدند از آنان بازخواست کنید» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۱۵). کسانی که در سنین بالاتر وظایف عبادی خود را انجام نمی‌دهند به مبانی دینی بی‌اعتقاد نیستند بلکه آنها کسانی هستند که ورزیدگی و آمادگی لازم را توسط والدین و مربیان به دست نیاورده‌اند. بنابراین، استدلال کسانی که معتقدند طفل پس از رسیدن به حد تشخیص باید مسیر خودش را انتخاب کند و نباید پیشاپیش عادت به برخی امور از جمله تکلیف دینی را در او ایجاد کرد، درست نیست. اگر این استدلال صحیح باشد باید تربیت را تا رسیدن به سن تشخیص تعطیل کرد حال آنکه تربیت چیزی جز ایجاد عادات در کودک نیست (سادات، ۱۳۸۰، ص ۸۰). بنابراین، ضروری است مقدمات لازم برای فراگیری و گرایش فرزندان به انجام اعمال عبادی از سنین کودکی تا قبل از بلوغ شرعی توسط والدین و مربیان فراهم شود تا افزون بر ایجاد و تقویت روحیه دین‌داری و دین‌باوری زمینه عمل به تکالیف عبادی نیز برای آنها فراهم شود.

۳. آیات و روایات

بهترین و کامل‌ترین الگوهای انسان در زندگی، پیامبران، ائمه علیهم السلام، بزرگان و انسان‌های پاک‌ی هستند که از رسولان و پیشوایان مذهبی پیروی کرده‌اند و سعی بر انطباق اندیشه و رفتار خویش با آنها داشته‌اند. خداوند در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه؛ همانا برای شما در (سیره) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم الگو و سرمشقی نیکوست» (احزاب: ۲۱). درباره اطاعت و پیروی از آن حضرت فرموده است که اگر می‌خواهند به دوستی و محبت خداوند نزدیک شوند باید از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تبعیت کنند. «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله ویغفر لکم ذنوبکم والله غفور رحیم؛ ای پیامبر! بگو اگر خداوند را دوست می‌دارید،

پس مرا پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهاتتان را بر شما ببخشد و خداوند بسیار بخشنده و مهربان است» (آل عمران: ۳۱).

قرآن کریم به صورت مستقیم و غیر مستقیم پیامبران و اولیای الهی را به عنوان الگو معرفی می‌کند. گاه با تأیید کلی آنها و زمانی با ذکر رفتار پسندیده‌ای از ایشان. «فنادته الملائكة و هو قائم یصلی فی المحراب. انّ ابراهیم لاؤاه حلیم». «و وهبنا لهم من رحمتنا و جعلنا لهم لسان صدق علیاً، واذکر فی الكتاب اسمعیل انّہ کان صادق الوعد وکان رسولا نبیاً و کان یأمر أهله بالصلوة و الزکاة و کان عند ربّه مرضیاً؛ پس در حالی که وی ایستاده و در محراب خود دعا می‌کرد، فرشتگان او را ندا دادند که خداوند تو را به ولادت یحیی علیه السلام که تصدیق کننده حقانیت کلمه الله عیسی است و بزرگوار و خویشتن دار پرهیزنده از آنان و پیامبری از شایستگان است مژده می‌دهد» (آل عمران: ۳۹). قرآن کریم پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ائمه علیهم السلام را به عنوان الگو و سرمشق معرفی کرده است و به اطاعت از آنها امر می‌کند. «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیغمبر و اولی الامر از خودتان را» (نساء: ۵۹).

پس از انبیا، ائمه علیهم السلام و انسان‌های پاک سرشت و پرهیزگار می‌توانند الگوی انسان‌ها باشند. شاید بهترین مصداق برای تربیت الگویی همین باشد که مربی در مقام عمل، الگویی تمام عیار برای متریبان خود باشد؛ زیرا متریبی قول و فعل مربی را هماهنگ می‌بیند و نظریه و عمل را با هم تجربه می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کونوا دعاة للناس بغير السننکم لیروا منکم الورع و الاجتهاد و الصلاة و الخیر فان ذلک داعیه؛ با غیر زبان مردم را به سوی حق دعوت کنید. بهترین مربی و الگو کسی است که رفتارش، گفتار وی را تأیید کند» (کلینی، ۱۳۶۵، ۷۸/۲؛ قائمی مقدم، ۱۳۸۲، ص ۲۹). اسلام تأکید می‌کند که انسان‌ها خصایص و خصلت‌های شایسته را باید از هر فردی که می‌توانند بگیرند و آنها را در خود تقویت کنند. در روایات از ویژگی حیوانات نیز سخن آمده است و گاه افراد نیک‌کردار در خصیصه یا خصایصی به حیوان تشبیه شده‌اند. تشبیه شیعیان به زنبور عسل نشان‌گر پرکاری، صفا، پاکی، زمزمه کردن قرآن و یا چیزهایی مشابه آن است (جعفریان، ۱۳۷۲، ص ۹۳).

۴. آماده‌کردن و تمرین عبادات در کودکان

یکی از اصول تربیتی در تربیت عبادی، زمینه‌سازی کودکان به‌وسیله الگو از نظر روحی، روانی و عاطفی نسبت به عبادات است که علاوه بر تأکید نسبت به عبادات باعث آمادگی پذیرش و انجام تکالیف شرعی نسبت به مسائل عبادی می‌شود.

۴-۱. زمینه‌سازی برنامه‌های عبادی در پیش چشم کودک

اسلام به مشاهده و تجربه اهمیت فراوانی می‌دهد؛ زیرا مشاهده، تجربه، تفکر و تعلیم به انسان قدرت تشخیص می‌دهد. (احمدی، ۱۳۸۷) قرآن کریم به سیر در طبیعت و مشاهده نعمت‌های الهی برای تفکر در آنها بسیار تشویق می‌کند. آیات زیادی در این باره در قرآن آمده است مانند آیه ۱۰۱ سوره یونس، آیه ۲۰ سوره عنکبوت و آیه ۱۷ سوره غاشیه. این مرحله دوره طفولیت است و تا چهارسالگی را شامل می‌شود. لازم است والدین عبادت و به‌ویژه اقامه نماز را در مقابل کودک انجام دهند؛ زیرا اثر تربیتی و سازنده‌ای دارد. این عمل افزون بر تأثیر روحی و روانی موجب تشویق و ترغیب کودک به یادگیری و انجام آن عمل عبادی نیز می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «امام علی علیه السلام در خانه خود اتاق متوسطی را به نماز اختصاص داده و در آن اتاق عبادت و راز و نیاز می‌کرد. هر شب که طفلی به خواب نمی‌رفت امام علیه السلام او را به آن اتاق می‌برد و نماز می‌خواند» (حر عاملی، ۲۰۰۷، ص ۲۹۵).

کودکان اولین و بهترین درس دین‌داری و ارتباط معنوی با خدا را در محیط خانه از طریق مشاهده عملکرد والدین و مربی به ارث می‌برند. در این زمینه مروجی طیبی می‌نویسد: «وقتی که کودکان و نوجوانان می‌بینند که پدر و مادرشان نسبت به امور مذهبی حساسیت و دقت نظر دارند به عبادات اهمیت فراوان می‌دهند در اوقات نماز با اشتیاق به‌سوی عبادت می‌شتابند و در مناسبت‌های مذهبی و مراسم عبادی شرکت فعال دارند. آنها خودبه‌خود به این قبیل امور علاقه‌مند شده و مجذوب حالات ملکوتی دعا و مناجات می‌شوند» (مروجی طیبی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۸). بر این اساس اگر در محیط خانه و مدرسه تکریم به ارزش‌های دینی جنبه عملی پیدا کند زمینه‌گرایش به اعمال عبادی در کودکان به‌صورت آگاهانه شکل می‌گیرد. حضور معلمان در نماز جماعت مدرسه و اقامه اعمال عبادی به‌ویژه نماز توسط والدین در منزل از جمله عوامل ایجاد انگیزه در گرایش کودکان و نوجوانان به اعمال عبادی است. کودک درس دین‌داری به‌طور

عام و عبادت به‌ویژه نماز به‌طور خاص را با مشاهده اعمال و رفتار دیگران به‌ویژه والدین به ارث می‌برد. وقتی کودک می‌بیند پدر و مادر به امور عبادی حساسیت نشان داده است و در اوقات نماز با اشتیاق به‌سوی عبادت می‌شتابند خودبه‌خود در این مسیر قرار می‌گیرند و به آن علاقه‌مند می‌شوند.

۴-۲. انجام برنامه‌های عبادی در پیش چشم کودک

این مرحله از چهارسالگی تا هفت‌سالگی را شامل می‌شود. با توجه به اینکه کودک در این دوران فطرتی پاک دارد و گرایش عاطفی بسیاری به اعمال عبادی دارد والدین و مربیان باید او را کم‌کم با مقدمات اعمال عبادی به‌ویژه نماز آشنا کنند. در واقع کودک با مشاهده اعمال عبادی الگوی مورد نظر از آنها تقلید می‌کند و به این صورت کم‌کم زمینه انس به اعمال و تکالیف عبادی و عادت به آنها در وجود وی تقویت می‌شود. ممکن است کودک الفاظ و عبارات نماز را متوجه نشود، اما معنای توجه و راز و نیاز با خدا و استمداد از او را در عالم کودکی خود درک می‌کند. این خود باعث ایجاد روحیه معنوی و عبادی در کودک می‌شود و زمینه عبادت او را در مراحل بعدی آماده می‌کند.

۴-۳. آموزش مسائل عبادی به کودک

در این مرحله با رشد جسمی و ذهنی کودک آموزش مستحبات مانند قرآن، آشنایی با اذکار، دعاهای کوتاه، اذان و اقامه، تعقیبات نماز و رفتن به مسجد و امثال این کارها توسط والدین و مربیان بسیار ضروری است. والدین باید به کودک آموزش دهند که هنگام ورود به مستراح پای چپ و هنگام خروج پای راست را جلو بگذارد و در آنجا این دعا را بخواند: «اللهم انی اعوذ بک من الخبث والخبائث؛ خدایا از خبث و پلیدی‌ها به تو پناه می‌برم». والدین باید به کودک بیاموزند که در مستراح چیزی که بر آن نام خدا و اولیای دین نقش شده است همراه نداشته باشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام داخل شدن به مستراح انگشتری خود را که بر آن عبارت محمد رسول الله منقش بود بیرون می‌آورد. والدین باید به کودک خود بیاموزند که در وقت قضای حاجت رو به قبله یا پشت به قبله ننشینند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن نهی کرده است. والدین باید وضو را به کودک تفهیم کنند؛ زیرا وضو از مقدمات واجب نماز است، همچنین استحباب ذاتی دارد و در طهارت معنوی انسان بسیار مفید است. اکنون وقت آن است که او را به نماز وادارند، اما

به‌گونه‌ای که این برنامه‌ها او را کسل نکند که در این صورت ضرر آن بیش از منفعت آن است. (بهشتی، ۱۳۹۲، ص ۵۵۲) اهمیت این مسئله در سیره حضرت زهرا علیها السلام نیز دیده می‌شود. ایشان به مسئله تربیت عبادی و گرایش فرزندان به انجام اعمال و تکالیف عبادی بسیار حساس بود و به آن توجه داشت. ایشان علاوه بر اهتمام شخصی به عبادت که نقش الگویی برای فرزندان داشت با در نظر گرفتن جوانب تربیتی، اعمال عبادی را به آنها آموزش می‌داد و آنها را برای بندگی خدا مهیا می‌کرد. حضرت زهرا علیها السلام با اینکه شب را برای احیا بیدار می‌ماند فرزندان را نیز به این کار وادار می‌کرد و آنها را متوجه اهمیت این مهم می‌کرد (موسوی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۳). عادت دادن کودک به انجام این مسائل باعث ایجاد نوعی رغبت و انگیزه درونی در کودک می‌شود و او را به کمالات دینی و اخلاقی می‌رساند.

۵. شیوه‌های تربیت عبادی کودک

۱-۵. روش رفق و مدارا و عدم تحمیل عبادات

یکی از روش‌های مهمی که مربی می‌تواند در زمینه آموزش و تربیت عبادی به کار ببرد روش رفق و مداراست. مراد از این روش در بحث تربیت عبادی آن است که مربی در هر فعل عبادی راه‌های آسان و میسر را به روی متربی بگشاید و با ملایمت و مدارا با او رفتار کند تا وی آموزه‌ها و مفاهیم دینی و عبادی را با میل و رغبت بیاموزد و به گزاردن آن عمل عبادی مبادرت ورزد. اگر مربی رفق و مدارا را در مقام تربیت رعایت نکند، حتی اگر در مورد خود او باشد موجب خستگی او از عبادت و سایر اعمال دینی می‌شود و از طی مسیر کمال بازمی‌ماند. در تربیت عبادی کودک، مربی به عنوان الگو باید بکوشد هم در آموزش برنامه‌های عبادی و هم در دعوت یا واداشتن به عبادت اسباب آرامش روحی و روانی آنها را فراهم کند تا کودکان اعمال عبادی را با نشاطی دوچندان به جای آورند. زمینه فراگیری برخی اعمال دینی و عبادی باید به صورت داوطلبانه در کودک فراهم شود. علاوه بر رفق و مدارا در آموزش، مربی باید کودکان را از هرگونه افراط و تفریط در انجام تکالیف عبادی دور نگاه دارد و آنها را به عبادت مجبور نکند، حتی اگر خودشان هم در این کار زیاده‌روی می‌کنند باید تلاش‌های عبادی آنها را تعدیل کنند و نگذارند از حد اعتدال خارج شود؛ زیرا افراط و تفریط در عبادت آسیب‌های جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت که گاهی سلامت فکری و معنوی آنها را نیز تهدید می‌کند. در بحث روزه‌داری نیز با توجه به قدرت نداشتن

کودک بر روزه داری والدین به عنوان الگوی مناسب باید آنها را تشویق کنند که به هر مقدار که می‌توانند، روزه بگیرند؛ زیرا هدف این است که کودکان به روزه‌داری عادت کنند تا هنگام بلوغ آمادگی انجام این عمل را داشته باشند. در نتیجه اولیا و مربیان باید زمینه فراگیری و اجرای برخی مسائل دینی و تکالیف عبادی را در حد اعتدال برای کودکان و نوجوانان فراهم کنند (موسوی، ۱۳۹۶، ص ۲۴۳-۲۶۳).

۲-۵. روش تداوم و استمرار بخشی

برای تحقق هدف تربیت عبادی کودک ضروری است که مربی آموزش و تربیت عبادی را تا جایی ادامه دهد که آموزه‌های عبادی در ضمیر و وجود متربی نهادینه شود. در واقع بسیاری از اعمال وقتی مقطعی و کوتاه مدت انجام شود، پس از مدتی ترک خواهد شد، ولی اگر عملی کم باشد، اما استمرار زمانی داشته باشد هرگز ترک نخواهد شد. همچنین مربی باید توجه داشته باشد که استمرار در آموزش تکالیف عبادی در هر دوره از جمله روش‌های مهمی است که در تربیت عبادی باید به آن توجه کرد. تداوم و استمرار در آموزش و واداشتن منطقی کودکان عمل به تکلیف عبادی موجب ملکه شدن و در نتیجه تقیید کودکان به آن در سنین بالاتر خواهد شد. (موسوی، ۱۳۹۶، ص ۲۸۴-۲۸۶)

۳-۵. روش تشویق و تنبیه

یکی از شیوه‌های تربیتی مورد اتفاق قرآن کریم، معصومین علیهم‌السلام و صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت روش تشویق و تنبیه است. مربی به عنوان الگوی مناسب برای کودکان با استفاده از روش تشویق در فرایند آموزشی و تربیت برای ایجاد انگیزه در متربی و برای یادگیری یا تقویت و ایجاد رفتاری مطلوب می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد؛ زیرا تشویق در روحیه و روان کودک اثر مثبت می‌گذارد و او را به انجام اعمال نیک ترغیب می‌کند. ابوعلی سینا ابزار تشویق و تنبیه یا ترغیب و ترهیب را ضمانت اجرای تعلیم و تربیت می‌داند و معتقد است که واکنش مربی باید منطبق با اخلاق و رفتار وی باشد و از نظر کمی و کیفی، تدریجی و متناسب با رفتار کودک باشد. برای مثال در مقابل رفتار ناپسند در آغاز باید روگردانی، سپس ترش‌رویی و پس از آن تهدید و آن‌گاه توبیخ باشد. ایشان تنبیه بدنی را در صورت لزوم در شرایط خاصی مجاز می‌داند. نکته‌ای که لازم است مربی در مراحل تربیت عبادی رعایت کند این است که تشویق نباید همیشه مادی باشد تا

کودک آن عمل عبادی را با انگیزه درونی انجام دهد به‌ویژه اینکه مسائل دینی و عبادی اموری فطری هستند و در مواردی حتی تشویق زبانی زمینه تکرار آن عمل را در پی خواهد داشت. از طرفی مربی با تنبیه درست با موازین شرعی نقش مهمی را در تأدیب و اصلاح کودک دارد البته آنچه در تربیت الگویی اصالت دارد تشویق، محبت و مداراست و تنبیه جنبه اصلتی ندارد و تنها در جایی به کار می‌رود که چاره‌ای جز آن نباشد. بنابراین، براساس روایات، فتاویٰ فقها و دیدگاه علمای تعلیم و تربیت در مورد امکان و جواز تنبیه کودک توسط مربی در صورت سستی یا ترک عمل عبادی باید گفت هدف از تنبیه بدنی، تأدیب کودک باشد، تنبیه مراتب قوی و ضعیف دارد. در مرتبه ضعیف اقداماتی مانند تذکر زبانی و تنبیه عاطفی یعنی، محرومیت از محبت و امکانات، اخم کردن و قهر کوتاه مدت و ... و در مرحله بعد اگر چنین اقداماتی مفید نبود مرتبه شدید یعنی، تنبیه عملی با رعایت حدود شرعی اعمال کرد. تنبیه به سه ضربه اکتفا شود مشروط بر اینکه به حد دیه شرعی یعنی، جرح و سرخ و سیاه شدن نرسد (موسوی، ۱۳۹۶، ص ۳۰۶-۳۱۲).

۶. نتیجه‌گیری

با بهره‌گیری از منابع و متون اسلامی و بررسی آیات و روایات معصومین علیهم‌السلام و کشف مهمترین اصول و روش‌های الگویی در زمینه تربیت عبادی می‌توان گفت که دین اسلام به روش الگویی در تربیت دینی و به‌ویژه تربیت عبادی تأکید فراوان دارد تا زمینه دستیابی کودکان به مراحل عالی کمال انسانی فراهم شود. برای تحقق این هدف و علاقه‌مند کردن کودکان به فراگیری و انجام تکالیف عبادی ضروری است اقدامات لازم از همان دوران کودکی صورت گیرد تا علاوه بر آموزش مسائل عبادی مورد نیاز و وظایف و تکالیف عبادی و آثار و فواید آن به‌صورت قابل فهم به کودکان آنها را به انجام اعمال عبادی و پایبندی به آن تشویق کرده تا با بصیرت کامل پایبندی به ارزش‌های عبادی در آنها درونی شود.

فهرست منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول عن آل الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. احمدی، سیداحمد (۱۳۸۷). اصول و روش‌های تربیت در اسلام. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۳. اسماعیلی یزدی، عباس (۱۳۸۵). فرهنگ تربیت. قم: دلیل ما.
۴. امیری، دادمحمد (۱۳۹۴). تربیت اخلاقی از دیدگاه قرآن کریم. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.
۵. امینی، ابراهیم (۱۳۹۰). تربیت. قم: بوستان کتاب.

۶. بهشتی، احمد (۱۳۹۲). اسلام و تربیت کودکان. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۷. جعفریان، محمد (۱۳۷۲). تأثیر الگوها از نظر اسلام. مجله پیوند.
۸. حر عاملی، محمدبن حسن (۲۰۰۷). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: ذوی القربی.
۹. داوودی، محمد (۱۳۸۳). سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۰. سادات، محمدعلی (۱۳۸۰). رفتار والدین با فرزندان. تهران: اولیا و مربیان.
۱۱. شکرالهی، مهدی (۱۳۹۶). تربیت عبادی کودکان در اسلام با تأکید بر برنامه آموزشی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ.
۱۲. قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۲). روش الگویی در تربیت اسلامی. نشریه معرفت، ش ۱۲، صص ۲۶-۶۹.
۱۳. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵). کافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۴. مروجی طبسی، محمدجواد (۱۳۹۱). حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر(بی تا). قرآن حکیم و شرح آیات منتخب. قم: انتشارات افلاکیان.
۱۶. موسوی، سیده زهرا (۱۳۹۶). سیره حضرت زهرا علیها السلام در تربیت فرزند. نشریه نامه جامعه، ۱۲۲ (۱۴)، ۱۰۳-۱۲۲.

